

با عظیم یا حلیم یا علم راوی گوید که چون آن شخص لکن دعا را بخواند
 فی الحال آن شخص ریزه از گوش می آید و اگر کنان بیرون
 افتاد و سخت برد لوار خورد **ابو امامه با بلی رضی الله عنه**
 وی آخرین اصحاب رسول است صلی الله علیه و سلم را جماعتی
 در ستاد بنا ایشانرا اسلام دعوت گنم از من قبول نکردند
 شدم از ایشان اب طلبیدم نداده گفتند ترا همچین میکند از
 ما از لشکر کبری عباسی دیشتم سرد را می کشیدم و در اقیان
 کردم کفچه در خواب دیدم که اینکده آمد و در دست وی غنی
 از اینکینه که سرگرمم از آن قدحی خوشتر ندیده اند و در آن
 شربتی که هرگز از آن شربت لذت نبردند بخشیده اند از این داد
 بیاشامیدم چون قاری شدم سیدار گشته و امید که از آن
 وقت باز که آن شربت را شناسیده ام هرگز گشته و گرسنه
 شده ام **و هم از وی آرزو** که کنیزک وی گفته است
 که ابو امامه تصدق دست میداشت و از برای صدقه بنا
 و در هم و هر چهار خورد و بنهاده است وی می افتاد و خیره کرد

چون سالی می آید

چون سالی می آید لوی میاید و روزی در خانه وی بچشم نمود
 که رسم دینار سالی میاید یکدینار لوی داد و دیگری آمد دینار دیگر
 بوی داد دیگری آمد دینار دیگر بوی داد من غضب شدم که
 در خانه برای ما هیچ نماید بر فرزندش خود بخسید من در خانه
 بروی بیستم چون نماز پیشین گفتند و بر ایستادم کردم مسیقت
 و روزی ده هفت بصری فرض کردم و از برای وی شای میاید
 ساختیم و جبرای رویش کردم و سقره بنهادم و نزدیک
 بفرایش وی شدم ما از اینکسرم دینار چند دیدم اما نهاده
 با خود گفتم که اعتماد برین دینارها این تصدق کرد از اینکسرم
 بیصد دینار بود از اینها بجا بکند شستم چون از نماز صحت باز
 گشت و دید آنچه آماده کرده بودم عهد خدا می تعالی گفت و در
 روی من تبسم کرد چون طعام خورد و گفتم خدا می تعالی سرا
 پیام زاده که او روی آنچه آوردی و آن دینار را پیش وی
 نهادم گفت این چیست گفت ای اینها ضاده بودی از دینار
 فری کرد و گفت و یک این چیست گفتم مرا این علم نیست این با فتم

مانگ